



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۹/۰۲/۱۱



م. اسحق نگارگر

صلح انسانی است

و

عواطف انسانی کار دارد!

افغانستان پس از چهل سال جنگ بدون گفت وگو به صلح نیاز دارد اما نخست باید ببینیم صلح چیست! صلح آن نیست که جنگ نباشد زیرا گاهی ممکن است جنگ نباشد ولی در عین زمان صلح هم نباشد و حالتی باشد که نیروهای جنگنده برای حمله بهتر ترک جنگ و مخاصمت گویند ولی در جست و جوی فرصتی باشند که با یک حمله برق آسا دشمن را از پا بيفکنند. بیدل میگوید:

زین عرصه اضداد مکش ننگِ فُسردن
گیرم همه تن صلح شدی جنگ برون آ

یگانه جنگی که از نظر عرفا هرگز پایان ندارد جنگ انسان با خودش است زیرا که انسانیت انسان تنها از راه جنگ با خودش است که به سوی کامل شدن سیر میکند. انسان وقتی با خودش میجنگد میتواند با دیگران صلح کند. نخستین پرسش انسان از خودش این است که من خود کیستم و به چه دلیل به خود حق راهنمایی دیگران را میدهم؟ آیا در علم؛ تجربه و دانایی بهتر از دیگران استم؟ و اگر من ادعای رهبری بر دیگران را دارم چه گونه میخوام آنانرا رهبری کنم؟ آیا خود را چوپان می پندارم و دیگران را رمه گوسفندان خود؟ و آیا تلقی من همین است که گوسفندان خیر خود را نمیدانند و تنها من میدانم که محیط آرام و پُر از آب و علف و بالطبع بی خطر گرگان درنده کجاست و بنابراین من و تنها من مسؤول رعیت استم. این چنین رهبریک بدیهی ساده را از یاد می برد که رابطه گوسفندان با چوپان یک رابطه مبتنی بر ملکیت است و در این رابطه گوسفندان هیچ گونه اختیاری از خود ندارند و چوپان هم در حقیقت امر وقتی برای گوسفندان کاری نیک انجام میدهد آن کار به نفع خودش است نه به نفع گوسفندان. گوسفندان را آسوده نگاه میدارند تا از شیر؛ پشم و بالاخره گوشتشان خود استفاده کند اما مردم تنها در نظام بردگی وقتی که آزادی خود را از دست داده باشند متعلق به ارباب برده دار میشوند و آن برده دار میتواند برخلاف اراده شان آنانرا بفرود؛ به کسی ببخشد و حتی بکشد. به یاد داشته باشیم که برده داران روم باستان بردگان خود را به نام گلا دیاتور به جنگ می انداختند و از جنگشان لذت می بُردند ولی اگر آن گلا دیاتورها کشته میشدند ارباب در قتلشان هیچ مسؤولیت نداشت. و اما وقتی از جنگ با خود و نفس خود صحبت می کنیم نخستین تبارز این جنگ بر ضد خود جهالت خود است زیرا انسان تنها وقتی برای خود و دیگران خوب است که عاقل باشد؛ جاهل هم برای خود و هم برای جامعه ضرر می رساند. انسان وقتی خود را از بلای جهل نجات داد صاحب شخصیت می شود و انسان صاحب شخصیت که دیگر فاقد علم و دانش نیست از اطاعت برده وار حتی اگر به سودش هم باشد می گریزد. نظام های دکتاتوری از راه سلب اراده مردم به زور یا به نیرنگ است که باقی میمانند. انسان وقتی با خود می جنگد پیش از اینکه به امتیاز های خود بیندیشد به حق و امتیاز دیگران می اندیشد. اگر از صد مادر بپرسید که در خانه به اندازه یک نفر نان است ولی شما و فرزندتان دونفر استید و یکی باید گرسنه بماند از این صد مادر نود و پنج مادر ممکن گرسنگی را بپذیرند و نان را به فرزند بدهند و پنج نفر ممکن آنقدر خود خواه و اسیر نفس باشند که بگویند:

«آب تا گلو بچه زیر پای»

آری انسان وقتی هنر با خود جنگیدن را یاد گرفت به مقام ایثار و گذشت میرسد بنابراین صلح با دیگران موضوع عاطفی است. عاطفه ما باید آنقدر حساس شود که ما از گشتن انسان متنفر و منزجر شویم و تنها در همین حالت است که

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

صلح در عواطف ما رسوب میکند و ته نشین می شود. آری وقتی با خود گفتیم: «اگر این انسان فرزند؛ برادر یا خواهر من باشد آیا من میپذیرم که دیگری او را بکشد و با قتل او ده نفر را داغدار کند؟ در همین مقام است که انسان به صلح کُل می رسد. صلح وقتی می آید که جنگنده در روح خویش از جنگ گرفتار نفرت و انزجار شود. پس صلح نباید به قصد آمادگی برای جنگ باشد بلکه صلح باید به معنای نفرت از جنگ و کشتار باشد و همین گونه صلح است که انسان را به انسانیتش وصل میکند و انسان عاقل را از شر جنگ و زورگویی هردو نجات میدهد. والله اعلم بالصواب.

نگارگر

روز یکشنبه ۱۰ فبروری ۲۰۱۹

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ